

سید رضا مرتضایی  
مهدی اصل فلاح

حضور طراحان صنعتی در عرصه‌ی طراحی شهری، یکی از نیازها و ضرورت‌های عمده‌ی کشور است. «طراحی مبلمان شهری» از جمله حوزه‌های تخصصی طراحی است که در کشور ما خود شاهد کمبودهای بسیاری در آن می‌باشیم و طراحان صنعتی قابلیت‌های بسیاری در انجام فعالیت‌های تخصصی در این حوزه دارا هستند. تبدیل فضاهای شهری به محیط‌هایی انسانی، صمیمی، دوست داشتنی و مملو از تجربه‌های لذت بخش، در حوزه‌های تخصصی طراحی شهری در بُعد کلان و طراحی مبلمان شهری در نگاهی جزئی‌تر صورت می‌گیرد. طراحی هوشمندانه‌ی عناصر مبلمان شهری، نقش تأثیرگذاری در توسعه‌ی زندگی شهری، زیباسازی منظر شهری و هویت بخشی به فضاها خواهد داشت و در یک نگاه کل نگرانه می‌توان آن را از عوامل مهم آفرینش «شهرهای انسان‌گرا» در راستای ارتقای کیفیت زندگی شهری به شمار آورد که از رؤس راهبرد توسعه‌ی شهری (USD) برنامه‌ی اسکان بشر سازمان ملل متحد نیز هست. به عبارت دیگر می‌توان این‌گونه بیان کرد که فلسفه‌ی طراحی مبلمان شهری، زیباسازی شهری و تبع آن ارتقای کیفیت زندگی شهری است. در تعریف زیباسازی شهری نیز که در مصوبه‌ی کمیته‌ی زیباسازی کلان شهرهای کشور ارائه شده، این مسئله تصریح شده است. بر مبنای این مصوبه، زیباسازی شهری به کلیه‌ی اقدامات آگاهانه‌ی ای گفته می‌شود که به ارتقای کیفیت محیط شهری و ارتباط بیشتر شهر و شهروندان بینجامد (مصوبه‌ی کمیته‌ی زیباسازی کلان شهرهای کشور، اصفهان، ۱۳۸۰). در نگاهی این‌چنینی به زیباسازی شهری که طراحی مبلمان شهری از اجزای مهم آن است، شهر به مثابه‌ی یک کانون زیستی فعال و دارای شور و نشاط در نظر گرفته می‌شود که در تعاملی ناگسستنی با ساکنانش، برای آن‌ها سلامت، امنیت، رفاه و جذابیت به ارمغان می‌آورد. نکته‌ی مهمی که در اینجا باید به آن اشاره نمود، این است که زیباسازی شهری فقط به اقدامات روبنایی و سطحی محدود نمی‌شود و فراتر از آن می‌تواند باعث اصلاح الگوهای رفتاری، کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی، توسعه‌ی تعامل بین انسان‌ها و ارتقای سطح شور و نشاط اجتماعی نیز گردد. در همین راستا، بسیاری از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان عقیده دارند که زیبایی یک شهر، پاشنه آشیل امنیت آن شهر است؛ یک شهر زیبا، محیط اجتماعی بزرگی است که انسان را به آرامش، تکامل و پویایی هدایت کرده و باعث بهبود روحیه‌ی مردمان آن در تعاملات اجتماعی می‌شود. بدون شک طرح عناصر مبلمان شهری، به عنوان عناصر تکمیل‌کننده‌ی فضاهای شهری و واسطه‌های تعاملی شهری، نقشی تأثیرگذار در تحقق راهبرد ذکر شده دارا هستند. عناصر مبلمان شهری، در واقع آرایه‌های سیما و منظر شهری هستند و جایگاه مهمی در شکل‌گیری هویت شهری، نظم بصری و «خوانایی شهر» دارند. این عناصر همچنین می‌توانند تصویری هوشمند، اصیل و صمیمی از یک شهر در ذهن ساکنان آن پدید آورند.

«زیبایی‌شناسی شهری»، از جمله موارد مهمی است که بعضاً شاهد غفلت از آن در پروژه‌های طراحی شهری کشورمان هستیم. وجود نظم، هارمونی و تناسب طبیعی و انسانی در عناصر مبلمان شهری، علاوه بر هماهنگ‌تر کردن این عناصر با فضای طبیعی شهرها، آن‌ها را از منظر انسانی جذاب‌تر و پذیرفتنی‌تر خواهد نمود. یک شهر

زیبا، در واقع یک موزه و گالری بزرگ است که عناصر مبلمان شهری، مجسمه‌های کاربردی آن هستند و طراحان، آفرینندگان این آثار هنری محسوب می‌شوند. ماهیت چنین شهری، احساسی و پر از ایده‌های خلاق خواهد بود و انگیزه‌ی حضور مردم در فضاهای عمومی آن دوچندان خواهد شد. آفریدن تجربه‌های لذت بخش شهری، ارمغان یک «شهر طراحی شده» برای ساکنانش خواهد بود. در این زمینه، تمرکز بر ایجاد کشش‌های احساسی در کنار تمامی جنبه‌های عملکردی و عقلانی، از راهکارهای مناسب برای استقبال مردم از عناصر مبلمان شهری است. امروزه عناصر مبلمان شهری در شهرهای انسان‌گرای دنیا، علاوه بر کارکردهای اولیه‌ی خود که در قالب مفاهیمی چون استراحت کردن، منتظر ماندن، بازی کردن، خوردن و آشامیدن و نظایر آن مصداق پیدا می‌کنند، واجد کارکردهای ثانویه‌ای نیز شده‌اند که پیشتر ناظر به مفاهیم کیفی هستند؛ مانند راحت بودن، لذت بخش بودن، آرامش بخش بودن، ایمن بودن، جذاب بودن و مفاهیمی از این دست. در زمینه‌ی نیازمندی‌های کاربردی عناصر مبلمان شهری، با توجه به استفاده‌ی عمومی از این عناصر و عدم وجود مالکیت فردی در آن‌ها، توجه به وندالیزم (خراب‌کاری) نیز از موارد مهم دارای اهمیت در طراحی این گونه تجهیزات محسوب می‌شوند.

در کنار مباحثی که به آن‌ها اشاره شد، بحث هویت شهری نیز بحث مهم دیگری است که در طراحی عناصر مبلمان شهری نباید از آن غفلت نمود. اصولاً دستیابی به هویت عناصر مبلمان شهری نیازمند نگاهی راهبردی و کلان‌نگرانه در شهرهاست. این مبحث از دو منظر قابل بررسی است؛ یکی رابطه‌ی طرح عناصر مبلمان شهری با شخصیت شهر که ریشه در تاریخ و فرهنگ و هنر آن شهر دارد. می‌باشد، و دیگری ایجاد «همسانی» در بین اجزای مبلمان شهری، به نحوی که اعضای یک خانواده به نظر برسند. در دستیابی به هویت عناصر شهری، مبحث نشانه‌شناسی فرم و رنگ نیز از جمله مباحث مهم و اثرگذار به شمار می‌رود. در واقع می‌توان این گونه بیان کرد که هر یک از عناصر مبلمان شهری، نشانه‌هایی هستند که علاوه بر کاربردشان، پیام‌هایی را نیز به مردم منتقل می‌سازند. طراحی هوشمندانه عناصر مبلمان شهری را می‌توان از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری «برند شهری» نیز دانست.

طراحی بر اساس راهبرد «شهر برای همه» نیز، از دیگر موارد با اهمیت در طراحی عناصر مبلمان شهری است. در این رویکرد که دارای نگاهی «انسان محور» است، استفاده با بالاترین میزان پوشش اجتماعی، مد نظر طراحان است. این رویکرد که در ادبیات طراحی صنعتی از آن با عنوان «طراحی فراگیر» نیز یاد می‌شود دارای اصول هفت‌گانه ایست که تفسیر آن‌ها در حوزه‌ی طراحی شهری عبارتند از: قابلیت استفاده از عناصر مبلمان شهری متناسب با تمامی توانمندی‌ها، انعطاف پذیری عناصر مبلمان شهری برای استفاده‌ی بیشترین تعداد کاربران، استفاده‌ی ساده و شهودی از عناصر مبلمان شهری، ارائه‌ی اطلاعات قابل درک از عناصر مبلمان شهری به کاربران، در نظر گرفتن امکان استفاده‌ی اشتباه از عناصر مبلمان شهری، صرف‌کمترین تلاش فیزیکی برای استفاده از عناصر مبلمان شهری و انطباق اندازه‌ها و فضاها با اندازه‌های بدنی کاربران.

دست‌آورد، امیدوار است با توجه ویژه‌ی مدیران شهری به مقوله‌ی طراحی عناصر مبلمان شهری، شاهد شکل‌گیری شهرهایی انسان‌گرا، زیبا، با هویت، خوانا و کارآمد در کشورمان باشیم.